



دورنمای

فتنه‌های ناشی از سقیفه

از نگاه حضرت

فاطمه‌ی زهرا علیها السلام

(به مناسبت شهادت حضرت زهرا علیها السلام)

مهدی پیشنهادی

سپس شیطان از شما خواست که برخیزید، آن گاه دریافت که شما افراد سبکی هستید، او شما را تحریک و عصبانی کرد و شما را غضبناک یافت. آن گاه شما شترهای دیگران را داغ نمودید [علامت مالکیت زدید] و [برای نوشیدن آب] از غیر راه خود وارد شدید... و این [اعمال شما] در حالی صورت گرفت که

«... ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِيفًا، وَأَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ وَوَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَالكَلِمُ رَحِيبٌ، وَالجَزْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبِرُ، إِبْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ...!»

ژروبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رسال جامع علوم انسانی

عهد شما [نسبت به پیامبر ﷺ] نزدیک است، و جراحی که [به واسطه‌ی رحلت پیامبر] وارد شده، هنوز وسیع [و تازه] است، و جراحی که [بر ما] وارد شده، هنوز التیام پیدا نکرده است. و رسول خدا هنوز دفن نشده بود. [خیلی با عجله این کار را کردید]. خیال کردید که [اگر این کار را نکنید] فتنه پدید می‌آید. آگاه باشید که در فتنه سقوط کردند، و حتماً جهنم کافران را احاطه می‌کند...^۲

آنچه در بالا خواندید، بخشی از خطبه‌ی فدکیه‌ی حضرت فاطمه علیها السلام است که به دنبال تصرف فدک توسط خلیفه‌ی اول آن بانوی بزرگ، در برابر خلیفه و در حضور مهاجران و انصار ایراد فرمود.

گرچه این خطبه به مناسبت غضب فدک ایراد شده، اما محور بخش‌هایی از آن، موضوع خلافت و رهبری جامعه‌ی اسلامی است.

دختر گرامی پیامبر ﷺ در سخنان تند و عتاب‌آمیز خود، کسانی را که وصی و برادر پیامبر ﷺ را از صحنه‌ی رهبری کنار زده، خود زمام امور مسلمانان را در دست گرفتند، مورد انتقاد قرار داده که آلت دست شیطان شده به حوزه‌ی

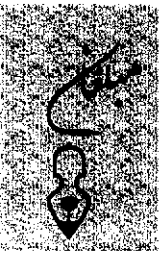
«خلافت» وارد شدند که حق آنان نبوده و هنوز سوگ رسول خدا فراموش نشده شتاب زده دست به اقدامی زدند (ماجرای سقیفه) که آنان را در گرداب فتنه افکند.

فتنه افکنی، یا دستاویز گریز از فتنه!

نکته‌ای که در این بخش از سخنان حضرت فاطمه علیها السلام جلب توجه می‌کند، این است که توجیه نادرست صحنه‌گردانان سقیفه در مورد انتخاب خلیفه را افشا کرده، عواقب زینبار آن را بیان می‌کند و می‌گوید: «خیال کردید [اگر این کار را نکنید] فتنه پدید می‌آید، آگاه باشید که در فتنه سقوط کردید.»

در این جا این سؤال پیش می‌آید که آنان کدام فتنه را دستاویز قرار دادند و مقصودشان از فتنه چه بود؟ و مقصود حضرت زهرا علیها السلام از این که آنان در فتنه سقوط کردند، چیست؟

چنان که در کتب تاریخ اسلام مطرح شده و قرائن نیز آن را تأیید می‌کند، مقصود آنان از فتنه، ارتداد امت، آشوب و هرج و مرج و از هم گسیختن نظام اسلامی به دنبال انتشار خبر رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، و پیدایش





تردید می‌کند. از این رو حضرت فاطمه علیها السلام با تعبیر، زعم، پندار و خیال از آن یاد کرده است.

اما این که آنان چگونه در فتنه سقوط کردند - که موضوع اصلی این نوشتار است - پاسخ این است که آنان با این اقدام خود منشأ اختلاف و دو دستی و شکاف در جامعه اسلامی شدند. شکافی که تاکنون پر نشده است. گرچه آن روزها با بیعت مردم با ابوبکر، کار تعیین زمامدار به ظاهر پایان یافت، اما این انتخاب عواقبی را به دنبال داشت که هر چه مسلمانان از آن سال‌ها دورتر شدند، آثار نامطلوب آن بیشتر پدیدار گشت. خاطره‌ی اختلاف و کشمکش‌های مسلمانان بر سر امامت و

خلاً قدرت در مرکز حکومت اسلامی بود. آنان به این عنوان که از چنین فتنه‌ای جلوگیری کنند، پیش از آن که پیکر پاک پیامبر عظیم‌الشان صلی الله علیه و آله را به خاک بسپارند، و در حالی که علی علیه السلام و بنی هاشم سرگرم مراسم غسل پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، به سقیفه شتافته در صدد تعیین خلیفه و زمامدار مسلمانان برآمدند! اما مگر آن تشریفات چه قدر وقت می‌خواست که در آن مدت، بیم فتنه می‌رفت؟ آیا در همان مدت اندک، خبر رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله (با نبودن وسائل ارتباطی امروزی) در سراسر کشور اسلامی منتشر می‌شد و همه چیز به هم می‌ریخت. این سؤال‌ها در صحت و درستی نگرانی از فتنه، ایجاد

خلافت، خاطرهای تلخ و غم‌انگیز است. کدام فتنه‌ای بزرگتر از قرن‌ها اختلاف و کشمکش و خونریزی که سنگ زیر بنای آن در سقیفه گذاشته شد.

شهرستانی می‌نویسد:

«هرگز در اسلام هیچ شمشیری به خاطر یک بنیاد دینی، چون شمشیری که به خاطر امامت کشیده شد، آهیخته نگردید.»^۳

پرده‌های دیگری از فتنه‌ها

فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در خطبه‌ی دیگری، پرده‌های دیگری از فتنه‌های ناشی از سقیفه را فاش ساخته است. دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، این خطبه را هنگامی ایراد کرد که گروهی از زنان مهاجران و انصار برای عیادت و احوال‌پرسی از او - که در اثر حمله به خانه‌اش مصدوم و بیمار بود - رفته بودند.

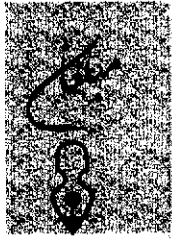
آن بانوی بزرگ در فرازی از این خطبه فرمود:

«آگاه باشید به جانم سوگندا این حکومتی که پدید آوردند، تازه آبستن شده است. پس صبر کنید تا ببینید چه ثمره‌ای به بار می‌آورد. آن گاه از آن به اندازه‌ی ظرف‌های بزرگ [به جای شیر] خون تازه و سمّ‌کننده بدوشیدا این جا

است که کسانی که به راه باطل رفته‌اند، زیانکار می‌شوند و آیندگان، عاقبت آنچه را که گذشتگان تأسیس کردند، خواهند دید. [اکنون که به مراد خود رسیدید] از بابت دنیای خود خوش باشید و قلباً برای فتنه‌هایی که خواهد آمد، مطمئن باشید. و بشارت باد بر شما به شمشیرهای برنده‌ای که به دنبال آن می‌آید و قدرت متجاوززی که حداکثر ظلم و تعدی را روا می‌دارد و به هرج و مرجی فراگیر که همه جا را شامل می‌شود و به استبدادی از ظالمین که مقدار اندکی از بیت‌المال را باقی می‌گذارد، به گونه‌ای که کسی در آن رغبت نمی‌کند و جمعیت شما را درو می‌کند [همه را قتل عام می‌کند]، پس حسرت و اندوه با شما باد، و به کدامین سو می‌روید؟...»^۴

در این سخنان کوتاه، اما رسا و گویا، حوادث تلخ و اندوهبار چند دهه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله به روشنی ترسیم شده است که ریشه در سقیفه داشت. زیرا با روشی که در انتخاب خلیفه پیش گرفته شد، افراد دیگری نیز که خود را از خلفای اولیه کمتر نمی‌دانستند، به فکر خلافت افتادند و کشمکش و رقابت بر سر خلافت در گرفت و منتهی به





جنگ‌ها و خونریزی‌ها شد.

از طرف دیگر مسیری که در مورد خلافت در پیش گرفتند، موجب شد که با فراهم شدن تدریجی زمینه و موافقت عملی خلیفه دوم و سوم، بنی‌امیه به حکومت برسند و با ظلم و ستم و تجاوز و تعدی - که بر هیچ مورخی پوشیده نیست - با مردم رفتار کردند و بیت‌المال مسلمین را به یغما بردند. با توجه به این حوادث، سخنان حضرت فاطمه علیها السلام در این زمینه، از نظر تحلیل اجتماعی و سیاسی در تاریخ اسلام بسیار ارزنده و تکان دهنده است.

شاخصه‌ای گویا از فتنه‌ها

چنانکه اشاره شد، ماجرای سقیفه، افرادی از صحابه‌ی بزرگ رسول خدا را به فکر خلافت افکند. به ویژه شورای شش نفری خلافت که توسط خلیفه‌ی دوم طراحی شد - و خود دنباله‌ی سقیفه بود - اعضای شورا را به فکر خلافت انداخت و خود را برای این منصب شایسته یافتند^۵ و پس از آغاز خلافت علی علیه السلام به مخالفت برخاستند، و این موضوع به اضافه قدرت یافتن معاویه با موافقت دو خلیفه‌ی قبلی، موجب بروز جنگ‌های جمل، صفین و نهروان شد و تلفات

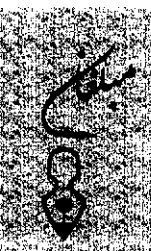
هرگز در اسلام هیچ شمشیری به خاطر یک بنیاد دینی، چون شمشیری که به خاطر امامت کشیده شد، آهیخته نگردید.

سنگینی به بار آورد که هیچ فتنه‌ای با آن قابل مقایسه نمی‌باشد. برای آن که به عمق فتنه پی ببریم کافی است به آمار تلفات سه جنگ یاد شده توجه کنیم:

به گفته‌ی یعقوبی: «در جنگ جمل بیش از سی هزار نفر [از طرفین] کشته شدند و تلفات جنگ نهروان بالغ بر چهار هزار بود.»^۶

و به اعتقاد مسعودی، مجموع کشته شدگان جنگ صفین از عراقی‌ها و شامی‌ها، هفتاد هزار نفر بود که بیست و پنج هزار نفر آن عراقی و چهل و پنج هزار نفر شامی بودند.»^۷

عمق فاجعه هنگامی آشکارتر می‌شود که بدانیم مجموع کشتگان در جنگ‌های زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را (از طرفین) حدود هزار و پانصد نفر تخمین زده‌اند در حالی که در آن زمان، جنگ با کفار و مشرکان بود اما در سه جنگ یاد



چند آن را به قصد جنگ بسته
بودند...^۹

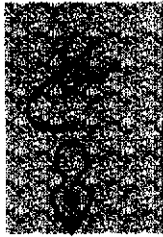
ابن قتیبہ دینوری نیز در مورد
آتش زدن در خانہی حضرت فاطمہ علیہا السلام
می‌نویسد: «و إن ابابکر رضی اللہ عنہ قفقد قوماً
تخلفوا عن بیعتہ عند علی کرم اللہ
وجہہ، فبعث الیہم عمر، فجاء فناداہم و
ہم فی دار علی، فأبوا ان یخرجوا فدعا
بالحطب و قال: والذی نفس عمر بیدہ،
لتخرجنّ او لأحرقنّھا علی من فیہا،
فقیل لہ: یا ابا حفص ان فیہا فاطمہ؟،
فقال: وإن^{۱۰}»

همچنین نظام^{۱۱} - که یکی از
علمای برجستہی معتزلہ بودہ - در این
بارہ می‌گوید: «ان عمر ضرب بطن فاطمہ
یوم البیعة حتی القت الجنین من بطنہا،
و کان یصیح: احرقوا [دار] ہا بمن فیہا، و
ما کان فی الدار غیر علی و فاطمہ و

شدہ، جنگ، جنگ مسلمان با
مسلمان و جنگ اہل قبلہ با اہل قبلہ
بودا.

**حمله بہ خانہی حضرت
فاطمہ علیہا السلام از نظر علمای اہل سنت**
در این جا بہ مناسبت بحث، لازم
است گفتہ شود کہ مدرک و مأخذ حملہ
بہ خانہی حضرت فاطمہ علیہا السلام تنہا منابع
و مدارک شیعی نیست بلکہ در تعدادی
از منابع اہل سنت نیز بہ این معنا
تصریح شدہ است.^۸

بہ عنوان نمونہ «طبری» مورخ
نامدار اہل سنت، از ابوبکر نقل می‌کند
کہ بہ هنگام احتضار از نہ چیز اظهار
ندامت می‌کرد و یکی از آن‌ها این بود کہ
می‌گفت: ... «کاش دستور ورود بہ خانہی
فاطمہ را ندادہ بودم، ہر



پی نوشت‌ها:

باشید ... طلحه، امید حکومت یمن و زبیر امید حکومت عراق را داشت. (مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، دار الرضا، ج ۳۰، ص ۱۷) طلحه و زبیر نیز از اعضای شورای شش نفری بودند!

۶ - ابن واضح، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۴ هـ، ج ۲، ص ۱۷۲، ص ۱۸۲.

مرحوم شیخ مفید می‌نویسد: درباره‌ی شمار کشتگان در جنگ بصره (جمل) روایات، مختلف است: در برخی آمده است که شمارشان بیست و پنج هزار بوده است. از عبدالله بن زبیر هم روایت شاذی نقل شده که شمار آنان پانزده هزار بوده است. شاید هم سخن ابن زبیر صحیح‌تر باشد ولی از آنچه همه‌ی اهل علم در این باره گفته‌اند، فاصله دارد و نمی‌توان آن را پذیرفت. اخباری رسیده درباره کسانی که در آن جنگ دست و پایشان جدا شده و بعد از آن جراحت مرده‌اند، مشهور است که شمارشان حدود چهارده هزار تن بوده است (مفید، نبرد جمل، ترجمه و تحشیه‌ی دکتر محمود مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۶۷، ص ۲۵۱).

۷ - علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ط ۱، بیروت، دار الأندلس، ج ۲، ص ۳۹۴.

۸ - برای آگاهی بیشتر در این زمینه، رجوع شود به کتاب: مأساة الزهراء، سید جعفر مرتضی عاملی، بیروت، در السیرة، ج ۲.

۹ - ... فوددت انی لم اکشف بیت فاطمه عن شیء و ان كانوا قد غلقوه علی الحرب ... طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دارالقاموس الحدیث، ج ۴، ص ۵۲.

۱۰ - عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری، الأمانة والسیاسة، تحقیق استاد علی شیری، قم، منشورات الشریف الرضی، ج ۱، ص ۳۰.

۱۱ - ابراهیم بن سيار بن هانیء نظام.
۱۲ - محمد بن عبدالکریم شهرستانی، کتاب الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۹.

۱ - این جمله از آیه ۴۹ سوره‌ی توبه گرفته شده و به صورت «درج» از آن استفاده شده است. خداوند در آیه‌ی یاد شده سخن یکی از منافقان را که به بهانه‌ی فریفته شدن به دختران و زنان زیباروی رومی، نمی‌خواست در جنگ تبوک شرکت کند، نقل می‌کند و می‌فرماید: «ومنهم من یقول ائذن لی ولا تفتنی؛ و بعضی از آنان می‌گوید: مرا [در ماندن در شهر] اجازه بده و مرا به فتنه مینداز.» خداوند آن‌گاه در پاسخ او می‌گوید: «الا فی الفتنة سقطوا و ان جهنم لمحیطة بالکافرین؛ هشدار که آنان خود به فتنه در افتاده‌اند، و بی‌تردید جهنم بر کافران احاطه دارد.» (تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۴۳۸).

۲ - این خطبه در منابع متعدد، و از آن جمله در کتاب الأحتجاج احمد بن علی طبرسی، ط نجف، ۱۳۵۰ هـ، ص ۶۱-۶۶ نقل شده است.

۳ - شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، کتاب الملل و النحل، ط ۲، قاهره، مکتبة أنجلو المصریة، ج ۱، ص ۳۰.

۴ - طبرسی، الأحتجاج، ص ۶۶؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران، المکتبة الإسلامية، ج ۴۳، ص ۱۶۰.

۵ - سعد بن ابی وقاص با علی رضی الله عنه بیعت نکرد و این، علتی جز این نداشت که او پس از شورای شش نفری، خود را رقیب علی رضی الله عنه و شایسته‌ی خلافت می‌دانست؛ زیرا او از اعضای این شورا بود. (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ج ۳، ص ۱۹۱)

از علی رضی الله عنه نقل شده است که می‌فرمود: «طلحه و زبیر به من گفتند: با این شرط با تو بیعت می‌کنیم که در خلافت با تو شریک باشیم، من به آن دو گفتم: شما شریک من به هنگام توانایی، و یار من به هنگام ناتوانی